

ارائه الگوی تحلیل ارزش‌های فرهنگی در طراحی معماری مسکن (مورد مطالعه: بافت قدیم کلان شهر تهران)

پرویز نصیری

دانشجوی دکتری مدیریت فرهنگی، دانشگاه آزاد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

فاطمه عزیزآبادی فراهانی

استادیار، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

سیامک کورنگ بهشتی

استادیار گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

چکیده

از دیرباز تاکنون در کلیه مراحل زندگی بشر، مسکن از اهمیت ویژه‌ای به علت تأمین نیازهای اساسی انسان برخوردار بوده است. بسیاری از ویژگی‌های طراحی مسکن متأثر از باورهای است که ریشه در فرهنگ افراد در هر دوره‌ای دارد و لذا طراحی مسکن مطلوب با توجه ارزش‌های فرهنگ و اعتقادی نیازمند دستیابی به الگویی برای تحلیل ارزش‌های فرهنگی در طراحی معماری مسکن می‌باشد. تحلیل ارزش‌های فرهنگی در طراحی معماری مسکن شهرها می‌تواند الگویی مناسب برای تدوین سیاست‌ها و قانون‌گذاری‌ها در امر طراحی معماری و ساخت مسکن مطلوب باشد. از این رو هدف از انجام این پژوهش، ارائه الگویی جهت تحلیل ارزش‌های فرهنگ ایرانی - اسلامی در طراحی معماری بناهای بافت قدیم محلات تهران است تا براساس این الگو، امکان تحلیل و احصاء ارزش‌های فرهنگی بکارگرفته شده در معماری ساختمان‌ها که منطبق با فرهنگ ایرانی - اسلامی باشد، برای طراحان، معماران و مجریان قابل لمس و درک باشد. روش پژوهش بصورت آمیخته (کیفی و کمی) و از حیث هدف کاربردی بوده و ماهیت توصیفی - تحلیلی دارد. در بخش کیفی اطلاعات مورد نیاز به روش تحلیل محتوا و از طریق مصاحبه جمع‌آوری شده است. در این بخش، ارزش‌های فرهنگی و طراحی معماری مسکن بافت قدیم تهران استخراج شد. در بخش کمی، برای تأیید ارزش‌های فرهنگی طراحی معماری مسکن بافت قدیم تهران از آزمون‌های آماری اسپیرمن و تی استیودنت استفاده شد. نتایج آزمون حاکی از آن است که در تحلیل ارزش‌های فرهنگی در طراحی معماری مسکونی شهر تهران هفت مولفه مرتبط با ارزش‌های فرهنگی شناسایی شد که شامل حریمیت، مردم‌واری، ارتباط با محیط طبیعی، حس زیبایی‌شناسی، درونگرایی، خودبستگی و پرهیز از بیهودگی (سودمندی) می‌باشد که نقش موثری در شکل‌گیری طرح معماری بناهای مسکونی بافت قدیم تهران داشته است.

کلید واژه‌ها: فرهنگ، ارزش‌های فرهنگی، معماری ایرانی - اسلامی، تهران.

مقدمه

مسکن به عنوان بستری برای زندگی انسان با سایر ابعاد زندگی او در ارتباط و کنش متقابل است. هر ناحیه مسکونی باید با توجه به ساختارهای گوناگون خانوادگی و نیازهای مکانی و اجتماعی و فرهنگی مختلف ساخته شده و با داشتن ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی خاص خود، محیطی منحصر به فرد را ارائه نماید (کیتچین و نیرفت^۱، ۲۰۲۰). مسکن پیچیده‌ترین بنا در طراحی است به طوری که طراحی این کاربری امری فراتر از پاسخ به برنامه است چرا که باید چهره‌ای عمومی را در عین جریان زندگی خصوصی ساکنینش، به نمایش گذارد. این به معنای پیروی از شرایط متنوع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و به ویژه فلسفه فردی و ارزش‌های خاص منطقه و ساکنین است که در جوامع گوناگون، از فرد به فرد متفاوت خواهد بود. در نتیجه شناسایی شیوه و ترجیحات و ارزش‌های فرهنگی رایج زندگی در جامعه و تأثیرات آن در طراحی معماری مسکن حیاتی است (ابراهیمی و اسلامی^۲، ۲۰۱۰).

آغاز دوره معاصر ایران، آغاز تغییرات وسیع در همه زمینه‌ها از طرفی در تعیین نیازهای کیفی و ضروریات اساسی در معماری و طراحی مسکن است (آصفی و ایمانی، ۱۳۹۳). لذا تجربه گذشتگان در ساخت خانه‌ها متناسب با شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ما در راه رسیدن به معماری مفید و اثر بخش مسکن یاری می‌کند (فلاح و همکاران، ۲۰۱۵). معماری و بافت شهرها که نقطه عطفی در چگونگی ساخت مسکن بعد از سپری شدن زندگی انسان اولیه سرآغاز زندگی مدرن امروز است، می‌تواند راه گشای شناخت درونیات وجودی انسان و واقعیت نیاز خویشتن با پرده‌برداری از تجملات و زیاده‌خواهی‌ها و پیرایش‌های ظاهری دنیای کنونی باشد. اهم این واقعیت در بررسی و کنکاش در نحوه زندگی مردمان و مبانی اعتقادی و فرهنگی ایشان و تأثیر عوامل دیگر از جمله عوامل

فردی و اجتماعی در محیط زندگی حاصل می‌شود (الکساندر^۳، ۲۰۱۱). دیدگاه برخی از دانشمندان و نظریه‌پردازان حوزه مسکن و فرهنگ، بیانگر تأثیر چشمگیر فرهنگ بر جنبه‌های کالبدی فضا و الگوهای معماری جاری در آن است. از جمله راپاپورت^۴ (۱۹۶۹) که معتقد است که از گذشته‌های بسیار دور، مسکن برای انسان چیزی بیش از سرپناه بوده و جنبه‌های معنوی و مذهبی در همه مراحل ساخت خانه تا استقرار و استفاده در آن کاملاً مشهود است (حیدری و کیایی، ۱۳۹۷).

بسیاری از ویژگی‌های طراحی مسکن متأثر از باورهای است که ریشه در فرهنگ افراد در هر دوره‌ای دارد. با این حال آنچه در این نظریه مورد توجه طرفداران آن است، تحلیل کمی نمودپذیری فرهنگ بر شکل مسکن است. حال چنین به نظر می‌رسد که در کنار نظریاتی که به وسیله الکساندر (۱۹۷۹) و راپاپورت (۱۹۶۹) در رابطه با مسکن و ارزش‌های فرهنگ ارائه نموده‌اند، هیلر^۵ و همکاران (۱۹۸۸) نیز در آکادمی علوم لندن با روش‌هایی (ترسیم نمودارهای توجیهی یا همان گراف‌ها) سعی در استخراج الگوهای فرهنگی نهان موجود در پلان‌ها نمودند. آن‌ها ادعا نمودند که به وسیله گراف‌ها و اطلاعات حاصل از آن می‌توان به منطق اجتماعی-فرهنگی موجود در فضا پی برد. همچنین هیلر (۱۹۸۸) با همکاری جولیان هنسون^۶ در کتابی عنوان «منطق اجتماعی فضا» نظریه‌ای جدید از فضا را به عنوان جنبه‌ای از زندگی اجتماعی بیان نمود (خوش‌اندام و همکاران، ۱۳۹۷)؛ اما فرهنگ از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است که شامل اعتقادات اجتماعی، باورهای مذهبی و ارزش‌های معنوی می‌شود. آنچه در این تحقیق به عنوان ارزش‌های فرهنگی مدنظر است، برگرفته از نظام ارزشی اسلامی و اعتقادات مرتبط با حوزه‌های فردی و اجتماعی است که از طرف اسلام بر جامعه اعمال شده است (حیدری

و کیایی، ۱۳۹۷).

پسند، ۱۳۹۱).

فرهنگ تأثیر زیادی در فضای مسکن دارد. نحوه زندگی ساکنان، نحوه تقسیم و تقسیم فضاها، نحوه تعامل و نحوه تهیه و خوردن غذا بر شکل و شکل ظاهری سکونت‌ها تأثیر می‌گذارد. از آنجا که فرهنگ یک مفهوم پیچیده بوده و از جهات مختلفی مفهوم‌سازی شده است (الیور^۷، ۲۰۱۷)، تجزیه و تحلیل فرهنگی مسکن شامل تنوع زیادی از رویکردها است. انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان اولین ناظران نقش فرهنگ در تغییرپذیری مسکن بوده‌اند. محققان تاریخ، معماری، هنر، ادبیات و فلسفه نیز به شیوه‌های ابتکاری درک فضای داخلی کمک کرده‌اند (لو^۸، ۲۰۱۲). از دیدگاه دیگر می‌توان این‌گونه بیان کرد که معانی نمادین محیط مصنوع و عناصر آن به عبارتی دیگر شهرها و خانه‌ها- در هر یک از تمدن‌های بشری گویای معنایی است که به ذهن انسان متبادر نموده و در ادراک او از محیط و بر رفتار او در محیط شهری تأثیر گذاشته و در نهایت ارزش‌های فرهنگی او را شکل داده و متحول نموده است (حیدری و کیایی، ۱۳۹۹). از این‌رو صاحب‌نظران رشته‌های مرتبط علمی سعی به تبیین و حفظ ارزش‌های فرهنگی در زمینه‌های مختلف داشته‌اند که معماری شهرها و خانه‌ها مهم‌ترین آن است و طراحی مسکن و محیط زندگی خود را به طور توأم در روند زندگی بشر و تحولات فرهنگی و نتیجه باورها و اعتقادات وی مؤثر می‌دانند (خوش‌اندام و همکاران، ۱۳۹۷). با گسترش تکنولوژی و پیشرفت‌های علمی در جهان که به همراه خود تغییرات معنی‌داری را در همه ابعاد علی‌الخصوص معماری و شهرسازی داشته است، باعث شکاف بزرگی در توجه معماران و شهرسازان به این ارزش‌های فرهنگی با نوگرایی در کشور بوجود آورده که نتیجه‌ای جز کم‌توجهی به این ارزش‌های فرهنگی در ساخت و سازهای شهری بدنبال نداشته است (عابدینی و عاقل

در کشور ایران نیز رعایت اصول و الزامات معماری اسلامی- ایرانی از دیگر رویکردهای جدید و مهم در ساخت خانه‌ها و اماکن است. در این راستا ابتدا انتظارات عملکردی در ساختمان برای حفاظت از ارزش‌های فرهنگی اسلامی- ایرانی از جمله تأمین امنیت معنوی، حفظ حریم‌های خصوصی، رعایت اعتدال در سهم فضاها، اعتلای مظاهر و نمادهای معماری اسلامی، نمایش آبادانی و نشاط، بهره‌گیری از تجربیات معماری بومی و... باید تبیین و احصاء شود. لذا مطالعه ارزش‌های فرهنگی نظیر (مهمان‌نوازی، نظافت و اصول بهداشتی و حریم خصوصی و ...) برای شناسایی، نگهداری و احیای دوباره الگوهای ارزش فرهنگی و مذاهب گوناگون بیش از پیش اهمیت می‌یابد. با وجود این، ارزش‌های فرهنگی تأثیرگذار بر محیط انسان ساخت در شهر تهران که تکرر فرهنگی و محلات مسکونی متعلق به مسلمانان، مسیحیان و ... دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. باید در نظر داشت معماری شناسنامه فرهنگی مردم یک کشور است و شاید کمتر هنری به اندازه معماری با زندگی و فرهنگ مردم پیوند داشته باشد. فرهنگ به عنوان عاملی مهم در چگونگی شکل‌گیری فضاهای معماری مطرح است و حتی برخی فرهنگ را عاملی مهم‌تر از اقلیم در شکل‌گیری فضای معماری بر می‌شمارند. معماری سنتی ایران مثالی آشکار از تبلور فرهنگ و تمدن ایرانی است که در قالب ساخت بناها و آثار ارزشمند معماری شکل گرفته و نمود پیدا کرده و هویت ایرانی را شکل داده است. امروزه هویت فرهنگی بومی تحت تأثیر فرهنگ‌های جهانی در معماری مسکونی کمرنگ شده و بعلت رشد شهرها بعنوان مفهوم کیفی در مسکن مورد توجه قرار نگرفته‌اند؛ به طوری که خواسته‌های انسانی برگرفته از ارزش‌های فرهنگی جامعه در فضاهای معماری، بویژه معماری مسکن نادیده انگاشته شده‌اند.

لذا بازشناسی ارزش‌های فرهنگی در طراحی معماری مسکن سنتی و بومی می‌تواند گامی مؤثر در ارتقاء کیفی مسکن در شهرها داشته باشد. با توجه به اهمیت شهر تهران به عنوان کلان شهر و پایتخت کشور و نیز سابقه تاریخی این شهر، تحلیل و بازشناسی ارزش‌های فرهنگی در معماری مسکن بافت قدیم تهران و بکارگیری این الگوها می‌تواند در بهبود کیفیت فضای مسکن معاصر نقشی مؤثر داشته باشد.

حال این پرسش مطرح می‌گردد که الگوی مؤثر و کارا برای تجزیه و تحلیل ارزش‌های فرهنگی موجود در طراحی معماری مسکن در بافت قدیم کلان شهر تهران به چه شکل می‌باشد؟ در راستای پاسخگویی به این پرسش، پژوهش حاضر به دنبال تحلیل ارزش‌های فرهنگی موجود در طراحی معماری مسکن بافت قدیم شهر تهران بوده است. باید در نظر داشت فرهنگ مقوله‌ای است منتج از نوع جهان بینی که با تعیین ارزش‌های مورد قبول جامعه در عرصه‌های مختلف زندگی از جمله معماری نمود پیدا می‌کند. لذا تحلیل و بازشناسی این ارزش‌های فرهنگی و تدوین سیاست‌هایی برای بکارگیری ارزش‌های فرهنگی و اصیل ایرانی می‌تواند بر ساخت و ساز مسکن و بهبود کیفی فضای مسکن در شهر تهران تأثیرگذار باشد. به این ترتیب هدف کلی تحقیق حاضر شناسایی الگوی مؤثر و کارآمد برای تجزیه تحلیل ارزش‌های فرهنگی موجود در طراحی معماری مسکن در بافت قدیم کلان شهر تهران است.

مبانی نظری تحقیق

فرهنگ

ادوارد بارنت تایلور^۹ (۱۸۷۱) مردم‌شناس انگلیسی، فرهنگ را چنین تعریف کرده است: فرهنگ یا تمدن، در گسترده‌ترین معنای مردم‌شناختی خود، آن کل پیچیده‌ای است که شناخت‌ها، باورها، هنر، اخلاق، حقوق، آداب و رسوم و دیگر توانایی‌ها یا عاداتی را که به وسیله

انسان، به عنوان عضو جامعه کسب می‌گردد را شامل می‌شود. در نظر تایلور^{۱۰}، فرهنگ تعبیری از کل زندگی اجتماعی انسان است. ویژگی فرهنگ، در ابعاد جمعی آن است و سرانجام آن که، فرهنگ اکتسابی است و با میراث زیست‌شناختی انسان پیوندی ندارد. با این حال، گرچه فرهنگ اکتسابی است اما ریشه و طبیعت آن در بخش وسیع، حالتی ناخودآگاه دارد (کوش، ۱۳۹۸). براساس تعریف کلاسیک تایلور از فرهنگ، فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که در برگیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنر، اخلاقیات، قوانین، عادات و هر گونه توانایی دیگری که توسط انسان همچون عضوی از جامعه کسب شده است. ویسلر^{۱۱} (۱۹۲۰) نیز از کلیه فعالیت‌های اجتماعی به گسترده‌ترین معنای آن مانند زبان، زناشویی، نظام مالکیت ادب و آداب، صناعات هنر و مانند آنها به مثابه فرهنگ یاد می‌کند. مالینوسکی^{۱۲} (۱۹۴۴) فرهنگ را کلتی یکپارچه شامل وسایل و کالاهای مصرفی، ویژگی‌های اساسی گروه‌های اجتماعی گوناگون و پیشه‌ها و باورها و رسم‌های بشری می‌خواند (عزیزآبادی فراهانی، ۱۳۹۸).

ارزش‌های فرهنگی

واقعیه یا چیزی که مورد اعتنای جامعه قرار گیرد، ارزش فرهنگی نام دارد. ارزش‌ها اندیشه‌هایی هستند درباره آنچه درست یا نادرست تلقی می‌شود. ارزش‌ها به طور ضمنی این مفهوم را می‌رساند که شیوه‌های خاصی از عمل باید انجام شود. فرهنگ‌های گوناگون دارای ارزش‌های فرهنگی متمایز و حتی متضادی هستند. برای مثال در آمریکا ارزش‌هایی چون فعال بودن، توجه به مادیات، خوش‌بینی، فردگرایی، اعتماد به نفس و اعتقاد به پیشرفت، از مفاهیم مسلط جامعه‌اند، در حالی که در بسیاری دیگر از کشورها این ارزش‌ها چندان مورد اعتنا و پذیرش مردم نیستند، حتی در بعضی نقاط دنیا نسبت به تبلیغ و اشاعه آنها دشمنی و مخالفت می‌شود (قنادان و دیگران، ۱۴۰۰). در واقع ظرفیت و شدت ارزش‌های

فرهنگی از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است. درحالی که ظرفیت به این نکته اشاره دارد که آیا یک ارزش فرهنگی به صورت منفی یا مثبت تلقی شده است، شدت، نشانگر توانایی یا اهمیت یک ارزش در درون یک فرهنگ است (چان و چنگ، ۲۰۰۵).

ارزش‌های فرهنگی، یعنی تمامی ارزش‌هایی که ارزش‌گذاری بر انسان‌ها را در سطح و از دیدگاه فرهنگی تحقق می‌بخشد. این ارزش‌ها با شکل حیات انسانی از جهات گوناگون، نظیر حیات ادبی، علمی، فنی و هنری ارتباط می‌یابند. بنابراین، ارزش‌های فرهنگی بخش مرکزی فرهنگ هر کشور را تشکیل می‌دهند و همان‌طور که ذکر شد، مفهوم ارزش دارای معانی متعددی است. به گفته یون^{۱۳} (۲۰۰۳) همه مظاهر فرهنگ در سطوح مختلف در تبلیغات منعکس شده است؛ بنابراین انتظار می‌رود که تبلیغات تجاری به منزله شکلی از ارتباط اجتماعی منعکس‌کننده فرهنگ یک جامعه باشد؛ علاوه بر این، تبلیغات نشان می‌دهد که افراد چگونه می‌اندیشند، چه چیزی آنها را به واکنش و می‌دارد، افراد با هم چه ارتباطی دارند؛ بنابراین نمادها، آیین‌ها و ارزش‌های یک فرهنگ در تبلیغات تجسم پیدا می‌کند.

مسکن فرهنگی

ساختمان‌ها و معماری مانند همه اشیاء ساخته شده توسط بشر، در معرض فشار و عوامل مختلف متغیر و غالباً متناقضی هستند که طرح‌ها و الگوها و طبقه‌بندی‌های منظمی را که معماران می‌خواهند ایجاد کنند، تغییر می‌دهد. مسکن سنتی منعکس‌کننده ارزش‌ها و تصویر جهان‌بینی خانه و انسان است و در شهرهای ما فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر هم‌زیستی دارند، که منجر به ظهور نیازها و الگوهای مختلف برای مسکن و درک همه آنها می‌شود. چنین مقایسه‌ای به ما اجازه می‌دهد ماهیت اصلی پناهگاه و مسکن را بهتر بشناسیم و روند شکل‌گیری الگوهای آن را براساس نیازهای ساکنان آن دوباره کشف کنیم

(راپاپورت، ۱۳۹۹).

به خوبی می‌دانیم که تعداد فراوانی از تولیدات و ارزش‌های تولیدشده به وسیله یک فرهنگ مدت‌ها بعد از اینکه آن فرهنگ از بین رفته، ارزش خود را از دست نمی‌دهند و نیز می‌دانیم که اشکال مسکونی و مجتمع‌های زیستی وابسته به آن فرهنگ، بعد از محو آن هنوز قابل استفاده می‌باشند؛ حتی اگر معنای وابسته به شکل یعنی معنایی که با شکل پیوند خورده و به آن تعلق دارد و شکل را با آن معنا می‌شناسیم زیاد تغییر کرده باشد؛ زیرا در حقیقت از زبان و دیدگاه انسان در مقابله با زبان و دیدگاه تکنولوژیک اینگونه شکل‌ها می‌توانند غالباً اشکال برتر باشند (راپاپورت، ۱۳۹۹). شکلی که مسکن درنهایت پیدا خواهد کرد، به عوامل اجتماعی-فرهنگی مانند شیوه زندگی، ارزش‌های مشترک گروه و محیط آرمانی مطلوب بستگی خواهد داشت (راپاپورت، ۱۳۹۹). به همین جهت بررسی خانه‌های یک قوم، در شناساندن فرهنگ عامه مردم نقش به سزایی خواهد داشت.

پیشینه تحقیق

تحقیقات داخلی

مشکینی و پهلوان درینی (۱۴۰۱) به ارزیابی تحقق سیاست کلی نظام (چشم‌انداز) در بخش مسکن به منظور حفظ حرمت و ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که بُعد تدوین قوانین سیاست ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری از وضعیت مطلوبی برخوردار است؛ اما وضعیت بُعد اجرایی سیاست کلی ارزش‌های فرهنگی مسکن نامطلوب ارزیابی شد. در زمینه بُعد نظارت بر اجرای قوانین سیاست ارزش‌های فرهنگی، نتایج تحقیق حاکی از آن است که این بُعد نیز وضعیت مطلوبی ندارد و به صورت جدی مورد توجه دستگاه‌های ناظر قرار نگرفته است.

صوفی (۱۴۰۰) به تدوین مدل مطلوب هویت مکانی در

شهرهای جدید پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که شهر پرند گرچه به لحاظ مؤلفه‌های هویت دهنده طبیعی دارای وضعیت مناسبی است؛ اما به لحاظ مؤلفه‌های هویت دهنده اجتماعی و مصنوع دارای ناهمخوانی و عدم تجانس فراوانی است. بحران و یا فقدان هویت منبعث از مکان به شکل نگرفتن فرهنگ مشترک و عدم ارتباط با محیط شهری و نهایتاً پایین بودن احساس تعلق مکانی، همبستگی و مشارکت اجتماعی، کاهش انگیزه ساکنان برای ادامه سکونت و تأثیر در عدم تحقق اهداف جمعیتی در بین ساکنان شهر جدید پرند منجر شده است.

صوفی (۱۳۹۹) به شناسایی الگوی هویت‌یابی مکانی در شهرهای جدید (شهر جدید پرند) پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که شهر جدید پرند دچار اختلال هویت ناشی از مؤلفه‌های هویت مصنوع و هویت اجتماعی است. پائین بودن کیفیت زندگی در پرند به علت نبود امکانات خدماتی، حمل و نقل عمومی و گذراندن اوقات فراغت و محدودیت شغل در شهرهای جدید (دور بودن محل کار از محل زندگی)، پرند را شهری فاقد هویت مکانی برای ساکنان و تجربه شهرسازی را در آن شکست خورده می‌نماید. لذا لازم است مدلی واقع‌بینانه برای برنامه‌ریزی فرهنگی مختص به این نوشهرها ارائه شود و چشم انداز و مأموریت‌های اجتماعی و فرهنگی به طور خاص برای آنها تدوین گردد.

طلوع‌دل و سادات (۱۳۹۸) ویژگی‌های مؤثر بر سلامت روانی، فرهنگی و اجتماعی در مجموعه‌های مسکونی، عامل پیشگیری از وقوع جرم را بررسی کرده‌اند. نتایج نهایی بیانگر آن است که بهره‌گیری از مؤلفه‌های کالبدی در طراحی مجتمع‌های مسکونی از جمله قلمروگرایی، نظارت، کنترل دسترسی، چیدمان فضایی، نور، مصالح، خوانایی، حس تعلق و همجواری‌ها، سلسله مراتب فضایی و فعالیت همگانی می‌توانند از وقوع جرم پیشگیری کرده، امنیت و سلامت روانی، فرهنگی و اجتماعی مجتمع‌های مسکونی را تأمین نمایند.

راست‌جو و بمانیان (۱۳۹۸) به تدوین الگوی ارتباطات فضایی خانه معاصر با توجه به ارزش‌های فرهنگ پرداخته است. مشاهده تطبیقی الگوها نشان می‌دهد که الگوی غالب دهه شصت، یکی از الگوهای غالب دهه ۵۰ است که در آن فضای‌ها نقش کلیدی دارد و تفکیک فضاها از این فضا صورت می‌گیرد. سرویس بهداشتی به مرور با یک گره از فضاهای اصلی جدا شده و در پلان خانه، جایگاه ثابتی یا در کنار ورودی و یا در کنار اتاق خواب یافته است. بدین ترتیب، با گذشت زمان، خانه‌ها دارای حریمیت و سلسله مراتب بیشتری شده‌اند.

سلمانی مروست و دهقانی تفتی (۱۳۹۸) به تبیین اصول و معیارهای طراحی مجموعه‌های مسکونی در شهر یزد با رویکرد جمع محوری پرداختند. آنها مشکلات حاصل از نارسایی‌های به وجود آمده در شکل‌گیری نادرست محله‌ها را نیز با تعریف جدیدی از اجتماع واحدهای مسکونی به صورت مجموعه‌ای مسکونی سامان دادند. می‌توان با استفاده از مفاهیم پایه جمع محوری نسبت به اصلاح دیدگاه‌های نادرست در کشور اقدام نموده و بدین ترتیب راهکارهای مناسب و جایگزین ارائه شده است.

قاسمی‌ده بکری و نیک‌پور (۱۳۹۸) عوامل مؤثر بر ایجاد هویت در فضاهای مسکونی را بررسی کرده‌اند. نتایج می‌تواند مورد استفاده سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان، طراحان، معماران و سایر تأثیرگذاران در این امر باشد. لذا بررسی هویت مسکن از دو بعد دورنی و بیرونی هویت تعاملی را بوجود آورده و استفاده از این بررسی‌ها، الگوهای هویتی را ایجاد می‌کند که فضاهای مسکونی با هویت را بدنبال خواهد داشت.

حیدری و کیایی (۱۳۹۷) به تحلیل نقش ارزش‌های فرهنگی در ارتقاء راندمان عملکردی خانه‌ها به تحلیل دو نمونه از خانه‌های بومی روستایی پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که وجود ارزش‌های فرهنگی، با تأثیر بر

الگوهای رفتاری و نحوه چیدمان فضاها در محیط داخلی خانه، بر ارتقاء راندمان بهینه عملکردی فضا تأثیرگذار بوده است.

احمدی و شیخی (۱۳۹۷) در تحقیقی به مطالعه مردم‌شناختی نقش فرهنگ و محیط بر معماری فضای خانگی خیابان امام در پیرانشهر می‌پردازند. طبق نتایج، با ورود معماری برونگرای غربی به جامعه مورد بررسی از یک طرف و ورود تکنولوژی‌های جدید از طرف دیگر، نقش محیط فرهنگی و جغرافیایی در معماری و طراحی فضاهای مسکونی بسیار کم‌رنگ و در برخی موارد کاملاً حذف شده و این امر باعث بروز مشکلات بسیاری برای ساکنین این خانه‌ها گردیده است.

آصفی و ایمانی (۱۳۹۵) در پژوهشی به باز تعریف الگوهای طراحی مسکن مطلوب ایرانی-اسلامی معاصر با رویکرد کیفی خانه‌های سنتی در شهر تبریز پرداختند. براساس نتایج رابطه معناداری بین کیفیت خانه‌های سنتی، انسان، معماری و سبک زندگی گذشته وجود دارد که از سنت‌ها و ارزش‌های اصیل سرچشمه می‌گیرد. همچنین به ترتیب اهمیت، شاخص‌های نیازهای انسان، کیفیت محیطی، کالبدی، عملکردی و ساختاری در این رابطه معنادار سهمیم بوده‌اند که می‌بایست در طراحی مسکن معاصر مدنظر قرار گیرند. هر چند در مقایسه کلی همگامی متناسب تمامی شاخص‌های مطرح به کیفیتی ماندگار منتج شده است. ضرغامی و سادات (۱۳۹۵) به بررسی تطبیقی شاخصه‌های مسکن ایرانی-اسلامی با مسکن آپارتمانی امروز پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که برای بازگشت به الگوی ایرانی اسامی در طراحی و اجراء مجتمع‌های مسکونی امروزی چهار عامل داشتن حریم خصوصی، امنیت و آسایش، تواضع در خانه و استفاده از عوامل طبیعی به عنوان شاخصه‌های مشترک، مسکن بر مبنای فرهنگ ایرانی-اسامی و مسکن آپارتمانی امروز هستند.

تحقیقات خارجی

سوخوانی^{۱۴} و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی بیان کرد پس از هرگونه فاجعه در مقیاس بزرگ، روند بازیابی اغلب با فوریت‌های احیای جوامع آواره و بازگرداندن عادی در اسرع وقت به چالش کشیده می‌شود، در حالی که برنامه‌های مسکن موقت پس از فاجعه از لحاظ تاریخی نقش مهمی ایفا کرده‌اند. نتایج حاصل، بر ضرورت ایجاد دستورالعمل‌های سیاستی مشخص تأکید می‌کند. در حالی که عدم قطعیت مربوط به دوره پس از وقوع فاجعه اغلب ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی را زیر و رو می‌کند، داشتن یک برنامه راهبردی قبل از وقوع بلایا می‌تواند به طور بالقوه اجازه بیان هویت فرهنگی و ارزش‌های محلی را بدهد.

مولایی و هاشم‌پور^{۱۵} (۲۰۲۰) به ارزیابی اصول CPTED در معماری مسکن مناطق روستایی در شمال ایران پرداخته‌اند. پس از بررسی سی خانه در هر روستا و مشاهده مکان‌های مختلف، نتایج نشان می‌دهد که برخی دلایل، یعنی مناطقی از دهانه‌ها و ایوان‌ها، سلسله مراتب فضاها، قرار دادن انبارها، انواع ورودی و حصار در ساختمان‌های مسکونی و کیفیت نگهداری آنها محلات می‌توانند نقش مهمی در کاهش سارق مسکونی و مزرعه ایفا کنند.

هو^{۱۶} (۲۰۲۰) در پژوهشی بیان کرد که هنرها و هنرمندان برای رشد نیاز به فضا دارند. از طریق ردیابی ساختارهای دولتی و فرایندهای سازمانی در پشت تکامل سیاست مسکن هنر از طرح کمک هنرمندان به سیاست فرهنگی شهری، نشان می‌دهد که چگونه و چرا فضاهای مسکن هنرها توسط لایه‌بندی نهادی برنامه‌های خط‌مشی به طور بالقوه نامتناسب تحت فشار قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهند که تجزیه و تحلیل سطح بوروکراتیک ساختارها و فرایندهای توسعه سیاست، درک دقیق‌تری از تنش‌ها و ناهماهنگی‌های بین نیازهای هنرمندان محلی و اهداف سیاست‌های فرهنگی شهری در سنگاپور را امکان‌پذیر می‌کند.

قطیشت^{۱۷} و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی بیان کردند که معماری منطقه‌ای به عنوان منبع الهام بخش و یادگیرنده برای ایجاد راه‌حل‌های موثرتر و معنادار ساختمان معاصر است. طبق نتایج، عوامل مربوط به تخصیص فرهنگی بیشترین اولویت را شرکت کنندگان داشتند و به پایداری مرتبط بودند. همچنین مشخص شد که به دلیل ناملموس بودن و پیچیدگی، بیشتر چارچوب‌های پایداری در محیط ساخته شده تنها بر معیارهای محیطی تمرکز می‌کنند و در ادغام شاخص‌های فرهنگی ناموفق بوده‌اند. بنابراین، این مطالعه با ارائه معیارهای ملموس مربوط به عوامل فرهنگی ناملموس، این شکاف را از نظر نظری و عملی قابل توجه می‌کند، به طوری که می‌تواند به طور موثر در روش‌ها و ابزارهای ارزیابی طراحی موجود گنجانده شود.

هان^{۱۸} و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی بیان کردند که درگیری‌های ناشی از تخریب و جابجایی مسکن تهدید بزرگی برای ثبات اجتماعی در چین بوده است. با این حال، دانش ما در مورد ویژگی‌های این درگیری‌ها و چگونگی بروز آنها ناکافی است. نتایج نشان می‌دهند که ویژگی‌های فرهنگی منطقه‌ای که با استفاده از ۷ بعد فرهنگی پروژه GLOBE اندازه‌گیری شده‌اند، بر تخریب نامشروع تأثیر می‌گذارد. به طور خاص، ساکنان یک منطقه با اجتناب از عدم قطعیت بیشتر، گرایش انسانی و جمع‌گرایی درون‌گروهی بیشتر احتمال دارد که تخریب نامشروع را تجربه کنند. در مقابل، منطقه‌ای که با جهت‌گیری عملکرد بالا، قاطعیت، جمع‌گرایی نهادی و فاصله قدرت مشخص می‌شود، احتمالاً نسبتاً کم تجربه تخریب نامشروع را دارد.

الجوریدا^{۱۹} (۲۰۱۶) نیازهای فرهنگی برای توسعه خانه در شهر ماکاسار را بررسی کردند. نتایج حاکی از آن است که نیازهای جامعه به مسکن به طور کلی انتظارات را برآورده کرده است. فرم درخواست خانه Bugis در Makassar استفاده از فرم خانه مدرن با سبک سنتی را

پیشنهاد می‌کند. طبق نتایج، جنبه‌های تأمین امنیت، راحتی و آسایش می‌تواند از شهر ماکاسار به یک شهر هوشمند پشتیبانی کند.

میهایلا^{۲۰} (۲۰۱۴) در تحقیق خود معماری شهری را به عنوان مؤلفه فرهنگی بررسی کردند. نتایج نشان داد که حوزه آموزش با شناخت منابع و فرهنگ اختصاصی مدل‌ها، از استادان، اصالت و مسئولیت ایده نویسنده، بر اهمیت فرهنگی به شیوه‌ای کلاسیک اشاره می‌کنند. علاوه بر این، حوزه آموزش و پرورش وظیفه دارد با هدف اخلاقی چندگانه آینده حرفه‌ای معماران کار بر روی چندین سطح از مسئولیت‌های اجتماعی و فرهنگی مانند شناختن نقاط دیدنی و سخنرانی در زمینه بافت شهری و گفت و گوهای ظریف و غیرتهاجمی که معماری جدید باید با پیشینه ارزشمند شهری ایجاد کند. بررسی پیشینه پژوهش بررسی مقالات، کتب، رساله‌ها و منابع مطالعاتی پیرامون موضوع ارزش‌های فرهنگی در طراحی معماری مسکن نشان می‌دهد که دسته‌ای از پژوهش‌ها به شیوه مفهومی به بررسی رابطه فرهنگ و مسکن پرداخته‌اند. این دسته از مقالات عموماً از نظریات راپاپورت در زمینه فرهنگ و مسکن استفاده نموده‌اند، چرا که از دیدگاه وی مسکن صرفاً یک ساختار نیست و در راستای یک رشته مقاصد پیچیده بوجود آمده است. وی خانه را به عنوان یک نهاد و نه یک سازه معرفی نموده و آن را پدیده‌ای فرهنگی دانسته است. همچنین در این پژوهش از دیدگاه گاستون باشلار مطرح شده ارتباط با مسکن را آشنایی با جهان بی‌واسطه بر می‌شمرد. در این پژوهش‌ها به نظریات شولتز نیز اشاره شده که کالبد مسکن را تمثیلی از جهان محاط بر انسان و در فرهنگ اقوام، خانه را مکان بودن می‌داند زیرا در گذشته، انسان‌ها مکان اسکان خود را مرکز عالم می‌دانستند. در ارتباط با موضوع ارزش‌های فرهنگی در طراحی مسکن نیز از نظریات اندیشمندان داخلی به دیدگاه پژوهشگر مشهور معماری عیسی حجت می‌توان

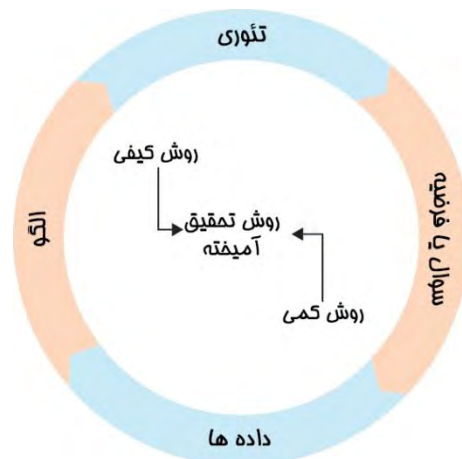
اشاره نمود که از دیدگاه وی مسکن دارای روح زندگی است و خانه‌ای که برای او ساخته می‌شود باید هم‌شان آن باشد. از دیدگاه وی اومانیزم قرن بیستم، مسکن را فاقد روح زندگی می‌کند و با آن مخالفت دارد. این نظریات غالباً در مقالات پیرامون ارزش‌های فرهنگی در طراحی مسکن مورد بحث قرار می‌گیرند.

دسته دیگری از مقالات با رویکرد پدیدارشناسانه به بررسی مفهوم فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی در طراحی مسکن می‌پردازند و این مفاهیم را از دیدگاه هوسرل و هایدگر مورد بحث قرار می‌دهند. دسته دیگر نیز به لحاظ کالبدی بر بکارگیری مفهوم ارزش‌های فرهنگی در کالبد اثر معماری تکیه دارند و عموماً با استفاده از نمونه‌های مشابه مولفه‌های کالبدی را بررسی می‌نمایند. با توجه به موارد ذکر شده تعاریف متعددی که از این نظریات در مقالات ارائه شد، می‌توان سه دسته بندی کلی را برای تحقق مفهوم مسکن در نظر گرفت؛ دسته اول همچون راپاپورت با رویکرد فرهنگی به آن می‌نگرند و در پی تحلیل فرهنگی رابطه میان مسکن و هویت هستند. دسته دوم که پدیدار شناسی هوسرل و شولتز جایگاه ویژه‌ای در آن دارد، بر تجربه سوژه محور و ادراکات ذهنی فرد از جهان هستی تاکید می‌کنند؛ بنا به این دیدگاه، سکونت فرآیند تبدیل یک مکان به مسکن تعریف می‌شود. دسته سوم به دنبال تحقیق در باب معنای مسکن هستند و بر زندگی روزمره انسان تاکید می‌کنند. این مطالعات به عنوان راهی برای توسعه روانشناسانه و تجربی معانی مسکن شناخته می‌شوند که یکی از این معانی نمایش هویت است. اگرچه تمام توضیحات گفته

شده بر مفهوم چند وجهی مسکن دلالت دارد؛ در این پژوهش سعی شده که تعریف جامعی از سه مورد فوق، در باب مفهوم مسکن در نظر گرفته شود؛ در عین حال بر دسته اول که راهی است در جهت بازشناسی مولفه‌های فرهنگی در معماری مسکن، تمرکز بیشتری می‌گردد. با توجه با موارد مذکور غالب پژوهش‌های صورت گرفته یکی از این رویکردها را مدنظر قرار داده‌اند و با یکی از رویکردهای مفهومی، پدیدارشناسانه و یا کالبدی به بررسی موضوع ارزش‌های فرهنگی در طراحی معماری مسکونی پرداخته‌اند. اما پژوهش حاضر با رویکردی مفهومی و معناگرا از یک سو در کنار با واکاوی نظریات اندیشمندان مطرحی چون شولتز، راپاپورت و پیرنیا و ... به بازشناسی مفاهیم پایه‌ای یعنی مقوله ارزش‌های فرهنگی در معماری مسکن پرداخته و از سوی دیگر با بکارگیری روش کمی بصورت عملی و کاربردی از نظریات متخصصین و اساتید به جهت رفع خلاءهای مطالعات کیفی استفاده نموده است تا نتایج حاصله بصورت جامع دربرگیرنده رویکردهای مرتبط با این پژوهش باشد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر روش‌شناسی، از نوع آمیخته است که به منظور درک چیستی، چرایی و چگونگی مفهوم ارزش‌های فرهنگی و تبیین عمیق مؤلفه‌های مؤثر و نوع روابط آنها، از یک طرح پژوهشی آمیخته اکتشافی متوالی مانند شکل ۱ استفاده می‌کند.



شکل ۱- طرح آمیخته متوالی اکتشافی

همچنین تلاش گردید با انتخاب روش تحقیق آمیخته اکتشافی متوالی، مصاحبه با صاحب‌نظران و مشاهدات میدانی، مؤلفه‌های الگوی ارزش‌های فرهنگی در طراحی معماری مسکن در بافت قدیم کلانشهر تهران شناسایی شوند. در مرحله اول با استفاده از روش کیفی با شیوه تحلیل محتوا، به شناسایی ارزش‌های فرهنگی موثر بر طراحی معماری مسکن پرداخته شد. در واقع بخش کیفی پژوهش از آنجا که بر تحلیل و تبیین استوار است، در آن به درک عمیق، جزئیات مسکن و تحلیل تأثیرپذیری معماری مسکونی از فرهنگ و سنن بومی تأکید می‌شود. در مرحله بعد با استفاده از روش کمی تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی موجود بر طراحی معماری مسکن بررسی و تایید شده‌اند.

تعداد جامعه آماری در بخش کیفی با توجه به دسترسی پژوهشگر و همچنین دارا بودن شرایط ورود به جامعه تعیین شد که شامل ۲۰ نفر از خبرگان در زمینه معماری بوده‌اند. با توجه به کم بودن حجم جامعه آماری در این مرحله، از کيله افراد در این زمینه نظرخواهی شد. جامعه آماری پژوهش در بخش کمی متشکل از مدیران، کارشناسان آگاه، کارشناسان و اساتید دانشگاه و کارشناسان و فعالان معماری آشنا به موضوع تحقیق و فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری رشته معماری می‌باشند که نمونه‌ای به حجم ۱۵۰ نفر از بین

آنها انتخاب شده است.

برای انجام پژوهش در بخش کیفی، پس از طراحی سوالات عمومی و تدوین پروتکل مصاحبه، مصاحبه عمیق با کارشناسان انجام شد. در پایان هر مصاحبه، محتوای آن به طور کامل روی کاغذ پیاده‌سازی شده و داده‌ها در ابتدا برای استخراج مفاهیم اولیه کدگذاری شدند. پس از رسیدن به حد اشباع، مطالعه عمیق‌تری در راستای مبانی نظری و تحقیقات قبلی انجام شد تا با تلفیق آنها با تجربیات محقق و نظرات متخصصان، مدل طراحی شود. مدل طراحی شده در اختیار کارشناسان قرار گرفت و پس از دریافت پیشنهادات و نظرات آنان در خصوص طبقه‌بندی مقوله‌ها و مفاهیم، مدل نهایی ارزش‌های فرهنگی در طراحی معماری مسکن در بافت قدیم تهران طراحی شد.

برای انجام پژوهش در بخش کمی براساس مدل مذکور، پرسشنامه ارزش‌های فرهنگی در طراحی معماری مسکن در بافت قدیم شهر تهران طراحی شد. پس از توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه در بین جامعه آماری بخش کمی، ارزش‌های فرهنگی در طراحی معماری مسکن بررسی و تایید شد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های بخش کیفی

برای انجام تجزیه و تحلیل کیفی ارزش‌های فرهنگی در

مضمون‌های معنی‌دار استخراج شدند. همراه مضمون‌های فرعی مجدداً رونویسی شد تا بتوان برای دسته‌بندی بعد تصمیم گرفته شود. مضمون‌ها بارها مطالعه و مقایسه شدند تا کدهایی که بیشترین شباهت را با هم داشتند و می‌توانستند از لحاظ معنایی یک معنای واحد را با هم بسازند، در یک دسته قرار گیرند و طبقاتی از کدها ایجاد شد که به این طبقات، اصطلاح مضمون اختصاص داده شد. در نهایت همه مضمون‌ها در طبقه مشخص جای داده شدند. بعد از کدگذاری، مضمون‌های فرعی استخراج شدند و در نهایت پس از دسته‌بندی و خوشه‌بندی مضمون‌های فرعی، مضمون‌های اصلی ایجاد شدند که در جدول ۱ قابل مشاهده‌اند.

طراحی معماری مسکن با رویکرد تحلیل محتوا، ابتدا مصاحبه‌های انجام شده وارد فایل ورد شده و سپس متن مصاحبه‌ها بارها توسط محقق خوانده شد تا ضمن آشنایی با متن، در کدگذاری کمترین خطا رخ دهد. در نهایت بعد از شناخت متن مصاحبه‌ها و ورود متن‌ها به نرم‌افزار مکس کیودا، روند کدگذاری در این نرم‌افزار آغاز شد. با مطالعه متن مصاحبه‌ها و مقایسه با سایر بخش‌ها، گزاره‌های معنی‌دار شناسایی شد که حاوی اطلاعات با اهمیت و معنی‌دار مرتبط با سوال پژوهش است. در ادامه به هرکدام از گزاره‌های معنی‌دار کدی اختصاص داده شد که مفهوم آن گزاره یا مضمون معنی‌دار باشد. بعد از اتمام کدگذاری‌ها، تمام

جدول ۱- مضمون اصلی و فرعی ارزش‌های فرهنگی موثر بر طراحی معماری مسکن

مضمون اصلی	مضمون فرعی	فراوانی
نظام اداری	کنترل، اداره خودکفایی	۱۵
ترکیب اجتماعی	همگنی و همبستگی ساکنان، اشتراکات قومی و دینی	۷
تنوع و کارکرد	اجزای عملکردی متعدد و متنوع	۱۲
ترکیب و ساختار	ساختار	۱۰
	مکان‌یابی	۱۲
	سازماندهی (سلسله‌مراتب)	۸
معماری سنتی ایرانی-اسلامی	محرمیت	۹
	مردم‌واری	۱۲
	ارتباط با محیط طبیعی	۱۲
	حس زیبایی شناختی	۱۹
	درونگرایی	۱۰
	خودبستگی	۸
	پرهیز از بیهودگی	۷

برخورد و آمیزش عنصر ایرانی با جریان‌های فرهنگ و هنر و اندیشه اسلامی، سیمای تازه‌ای به هنر ایرانی بخشید. معماری ایران پس از اسلام از طراحی، ظرافت و دقت نظری بی‌نظیری برخوردار شد و در این میان اصول جهان‌بینی اسلامی تأثیرات غیرقابل‌کتمان در هویت و شکل‌دهی به آن از خود برجای گذاشت. اصول معنوی حاکم بر معماری سنتی ایران، ریشه‌های عمیقی در

در ادامه مضامین معماری سنتی ایرانی معرفی شده‌اند: -محرمیت: اصول معنوی حاکم بر معماری سنتی ایران، ریشه‌های عمیقی در فرهنگ و اندیشه‌های این مرز و بوم داراست. اصل محرمیت به عنوان یک اصل حاکم بر تمامی شئون زندگی، به زیبایی در معماری سنتی ایران کالبد یافته و آثار و نتایج عمیقی در سازماندهی فضایی و نحوه قرارگیری عملکردهای گوناگون داشته است.

فرهنگ و اندیشه‌های این مرز و بوم دارد. اصل محرمیت، به زیبایی در معماری سنتی ایران کالبد یافته و آثار و نتایج عمیقی در سازماندهی فضایی و نحوه قرارگیری عملکردهای گوناگون داشته است. برخورد و آمیزش عنصر ایرانی با جریان‌های فرهنگ و هنر و اندیشه اسلامی، سیمای تازه‌ای به هنر ایرانی بخشید. معماری ایران پس از اسلام از طراحی، ظرافت و دقت نظر بی‌نظیری برخوردار شد و در این میان اصول جهان‌بینی اسلامی تأثیرات غیرقابل کتمان در هویت و شکل‌دهی به آن از خود برجای گذاشت.

- مردم‌واری: از اصول معماری ایرانی می‌توان به مردم‌واری اشاره نمود. معماری با اجزا و اندازه‌های متناسب بر پایه نیازهای انسانی را معماری مردم‌وار گویند. مردم‌واری به معنای رعایت تناسب میان اندام‌های ساختمانی با اندام‌های انسان و توجه به نیازهای او در کار ساختمان‌سازی است. معماری همیشه و همه جا هنری وابسته به زندگی بوده و در ایران بیش از هر جای دیگر. چنانکه آرایش معماری نیز همواره بدست زندگی بوده و در هر زمان روش زندگی بوده که برنامه کار معماری را پی ریخته است. مردم‌واری در اندام (فضا)های ساختمان و اجزاء آن چنین نمایان می‌شود که برای نمونه اتاق سه دری که بیشتر برای خوابیدن بکار می‌رود، به اندازه‌ای است که نیاز یک خانواده را برآورده کند. اجزایی چون در و پنجره، تاقچه، رف و نیز پستویی که برای انبار رختخواب بکار می‌رفته نیز اندازه‌هایی مناسب داشتند. مردم‌واری یکی از اصول معماری سنتی ایران است که در مسکن سنتی این مرز و بوم بخوبی قابل برداشت است. توجه به اندازه‌های مناسب بر پایه نیازهای انسانی در معماری و شهرسازی تمام شهرهای سنتی ایران از جمله شهر تهران قابل برداشت است که پیوند عمیق با فرهنگ ایرانیان دارد.

- ارتباط با محیط طبیعی: طبیعت دستاورد بهترین معماری یعنی خداوندگار است و اغلب برای معماران

بهترین سرچشمه الهام بوده است. انسان در طول تاریخ همواره سعی کرده تا با بهره‌گیری از دانش خود به رازهای اجزاء این مجموعه بزرگ پی برده تا با شناخت هر چه بیشتر آنها، علاوه بر افزون کردن دانش خود، بتواند از عوامل شکل‌دهنده طبیعت به نوعی در راه رفاه و زندگی خود بهره‌گیری نماید. این برداشت که معماری می‌تواند دیدگاهی طبیعی یا مافوق طبیعی داشته باشد در هر حال خارج از تأثیر محیط اطراف و اقلیم جغرافیایی انسان نیست. همدلی و احترام به طبیعت ریشه‌های عمیق فرهنگی دارد و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز انسان، معماری و طبیعت در معماری سنتی ایران کاملاً مشهود است. معماری سنتی ایران، تجلی نمادین جهانی ابدی و ازلی است که این جهان را محلی گذرا و واسطه‌ای برای رسیدن به مرتبه‌ای والاتر به منظور وصول به آرامش درونی می‌داند. معماری ایران که به صورت‌های گوناگون در بناهای مختلف متجلی گشته، جایگاه خاصی راداراست که در آن، عقاید و رسوم و آیین در شرایط جغرافیایی و اقلیمی نمود بارزی دارد.

- حس زیبایی شناسی: طبق منابع اسلامی و روانشناسی، انسان به زیبایی گرایش دارد و همواره سعی می‌کند نمود زیبایی را در زندگی و فضای زیستن خویش در نظر بگیرد. از همین رو شناسایی معیارهای زیبایی‌بخش معماری، دارای اهمیت بسزایی است. یکی از نمونه‌هایی که می‌توان معیارهای زیباشناسی را در آن مورد تأمل و ارزیابی قرار داد خانه‌های سنتی و ارزشمند تهران است که مورد توجه بسیاری از کاربران و بازدیدکنندگان قرار گرفته است. توجه به مؤلفه‌های زیبایی‌بخش این خانه‌ها نظیر تزئینات و بهره‌گیری از رنگ، نور، مؤلفه آب و گیاهان، براساس ذوق و احساسات درونی انسان (ادراکات حسی) به عنوان ناظرین محیط می‌تواند زمینه‌ساز سنجش زیبایی و استخراج معیارهایی برای آن باشد که با فرهنگ اصیل ایرانی در ارتباط است.

- درونگرایی: یکی از باورهای مردم ایران زندگی

شخصی و حرمت آن بوده که این امر به گونه‌ای معماری ایران را درونگرا ساخته است. معماران ایرانی با سامان‌دهی اندام‌های ساختمان در گرداگرد یک یا چند میان سرا، ساختمان را از جهان بیرون جدا می‌کردند و تنها یک هشتی این دو را به هم پیوند می‌داد. درونگرایی مفهومی است که به صورت یک اصل در معماری ایران وجود داشته و با حضوری آشکار، به صورت‌های متنوع، قابل درک و مشاهده است. درونگرایی ویژگی معماری اسلامی است که عمدتاً با سازماندهی حول حیاط مرکزی و عدم توجه به فضای درون بنا به محیط خارج تعریف می‌گردد. اصولاً در ساماندهی اندام‌های گوناگون ساختمان به ویژه خانه‌های سنتی، باورهای مردم، بسیار کارساز بوده است. یکی از باورهای مردم ایران ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرمت آن و نیز عزت نفس ایرانیان بوده که این امر به گونه‌ای معماری ایران را درون گرا ساخته است. همچنین درونگرایی یکی از ویژگی‌هایی است که درجه اهمیت به باطن را در مقابل توجه به ظاهر متجلی می‌سازد و در اصل تأکیدی بر عالم غیب و تفسیری بر یکی از صفات الهی (باطن) است و آنچه اهمیت دارد، آن است که در زندگی فرد مسلمان تأکید بیشتر بر ابعاد درونی و معنوی در مقایسه با ابعاد بیرونی و مادی است. این امر نشان از ارتباط این مولفه با اصول مذهبی و فرهنگی ایرانیان دارد.

خودبسنده‌گی: خودبسنده‌گی، بنا به عبارتی، خودکفایی است و به مفهوم استفاده حداکثر از امکانات موجود و در دسترس و مصالح بوم آورد است. خودبسنده‌گی در معماری به معنای تلقی معماری به عنوان یک ارگانیزم زنده به صورتی که طراحی آن براساس سایت و موقعیت قرارگیری آن باشد. بدین معنی که سازندگان سعی کرده‌اند مصالح مورد نیاز را از نزدیک‌ترین مکان و با ارزان‌ترین بها به دست آورند بدین ترتیب کار با سرعت بیشتر انجام شده و مصالح با طبیعت اطراف خود هماهنگی بیشتری داشته است. همین طور بناهایی که در

طول زمان باید ترمیم می‌شدند، با دسترسی داشتن به مصالح اصلی در محل، امکان تعمیر آن در تمامی دوره‌ها میسر بوده است. معماران ایرانی بر این باور بودند که ساختمان باید بوم آورد یا ایدری (اینجایی) باشد. این امر نشان دهنده پایداری ایرانیان به شیوه ساخت مرسوم و منبعث از فرهنگ ایرانیان است.

- پرهیز از بیهودگی: در معماری ایران تلاش می‌شده کار بیهوده در ساختمان‌سازی نکنند و از اسراف پرهیز می‌کردند. این اصل هم پیش از اسلام و هم پس از آن مراعات می‌شده است. در قرآن کریم آمده «مؤمنان، آنانکه از بیهودگی روی گردانند». معمار ایرانی کاری عبث و بیهوده انجام نمی‌دهد. تا این حد که اگر تزئیناتی هم انجام می‌داده جزئی از سازه بوده نه پوسته‌ای اضافه بر روی آن. این اصل مهم در معماری ایرانی هم پیش از اسلام رعایت شده و هم بعد از آن. به همین روی عناصر تزئینات معماری ایران عناصری همچون گچ، آجر، کاشی و خشت است که بیشتر بخشی از کار بنیادی ساختمان است تا عنصر اضافه تزئیناتی. معمار ایرانی از گره‌سازی بهره می‌برد تا آجر که عنصر سازنده بنای او بوده علاوه بر کار سازه‌ای جنبه تزئیناتی هم داشته باشد و یا پنجره‌های ارسی را می‌ساخته تا پناهی در مقابل آفتاب سوزان باشد تا چشم را نیازاد و همچنین پنجره‌ای برای تهویه هوا و با بهره‌گیری از شیشه‌های رنگی مقابله‌ای با ورود حشرات به داخل خانه و یا اگر نیاز بوده که سقف و یا افزای بلند و پر و پیمان ساخته شود و نمی‌تواند به دلخواه معمار کوتاه‌تر شود، تنها با افزودن کاربندی می‌توان آنرا کوتاه‌تر و مردم‌وار کرد.

در جمع‌بندی شاخصه‌های کالبدی مسکن و محلات تهران که از مولفه‌های فرهنگی تاثیر پذیرفته‌اند، می‌توان گفت در کنار تأثیری که مولفه‌های محیط اجتماعی نظیر نظام اداری (کنترل و اداره، خودکفایی) و ترکیب اجتماعی، دارند مولفه‌های محیط کالبدی که از یک سو نشأت گرفته از فرهنگ و از سوی دیگر با معماری بنا

یافته‌های بخش کمی

آزمون نرمال بودن داده‌ها

در پژوهش حاضر ابتدا باید نرمال بودن داده‌ها بررسی شود تا پس از آن آزمون مناسب جهت بررسی متغیرها انتخاب شود. آزمون کولموگروف - اسمیرنوف به منظور بررسی نرمال بودن داده‌ها استفاده می‌شود که نتایج آن در جدول ۲ ذکر شده است.

مرتبط هستند نظیر محرمیت، مردم محوری، ارتباط با محیط، خودکفایی، سودمندی، درونگرایی، حس زیبایی‌شناسی، خودبستگی و پرهیز از بیهودگی به عنوان مولفه‌هایی در نظر گرفته شدند که نشأت گرفته از فرهنگ هستند و در شکل‌گیری معماری مسکن و بعد از آن محلات بافت سنتی تهران نقش داشته‌اند.

جدول ۲- نتایج آزمون نرمال بودن توزیع متغیرهای تحقیق

شاخص	شاخص کولموگروف - اسمیرنوف	sig
محرمیت	۱.۸۱۷	۰.۰۰۳
مردم‌واری	۱.۶۸۲	۰.۰۰۷
ارتباط با محیط	۱.۶۴۰	۰.۰۰۹
حس زیبایی‌شناسی	۱.۶۵۶	۰.۰۰۸
درونگرایی	۱.۷۶۲	۰.۰۰۴
خودبستگی	۲.۶۲۳	۰.۰۰۰
پرهیز از بیهودگی	۱.۸۴۶	۰.۰۰۲

آزمون‌های همبستگی، پیوندهای جفتی بین مجموعه‌ای از متغیرها را محاسبه کرده و نتایج را در قالب یک ماتریس نمایش می‌دهند. در این بخش رابطه میان ارزش‌های فرهنگی (مولفه‌های محرمیت، مردم‌واری، ارتباط با محیط، حس زیبایی‌شناسی، درونگرایی، خودبستگی و پرهیز از بیهودگی) و الگوی معماری خانه‌های سنتی تهران بررسی می‌شود. برای هر یک از متغیرها این آزمون با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد که نتایج آن در جدول ۳ ذکر شده است.

طبق جدول ۲ با توجه به اینکه سطح معناداری (sig) برای سوالات فرضیه‌ها کمتر از ۰/۰۵ است لذا فرض صفر (مبنی بر نرمال بودن داده‌ها) رد شده و نتیجه می‌گیریم که توزیع داده‌ها نرمال نمی‌باشند. بنابراین به منظور بررسی رابطه معناداری بین متغیرها از آزمون همبستگی اسپیرمن و به منظور بررسی تاثیر متغیرها از آزمون تی استیودنت استفاده شد.

آزمون همبستگی اسپیرمن

جدول ۳. نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن

متغیر	معماری خانه‌های سنتی تهران
محرمیت	ضریب اسپیرمن
	۰.۸۲۸
مردم‌واری	Sig
	۰.۰۰۰
ارتباط با محیط	ضریب اسپیرمن
	۰.۵۹۷
حس زیبایی‌شناسی	Sig
	۰.۰۰۰
	ضریب اسپیرمن
	۰.۹۳۱
	Sig
	۰.۰۰۰
	ضریب اسپیرمن
	۰.۹۵۸

متغیر		معماری خانه‌های سنتی تهران
درونگرایی	Sig	۰.۰۰۰
	ضریب اسپیرمن	۰.۹۳۲
خودبستگی	Sig	۰.۰۰۰
	ضریب اسپیرمن	۰.۴۴۲
پرهیز از بیهودگی (سودمندی)	Sig	۰.۰۰۳
	ضریب اسپیرمن	۰.۷۷۲
	Sig	۰.۰۰۰

از یک متغیر تصادفی، توزیع تی- استودنت^{۲۲} مطرح می‌شود. این توزیع اساس آزمونی به نام تست تی است که مقدار اطمینان از تفاوت دو متغیر تصادفی را از روی نمونه‌هایشان اعلام می‌کند. در این بخش تاثیرگذاری ارزش‌های فرهنگی (مولفه‌های محرمیت، مردم‌واری، ارتباط با محیط، حس زیبایی شناسی، درونگرایی، خودبستگی و پرهیز از بیهودگی) بر شکل‌گیری طرح معماری خانه‌های محلات قدیم شهر تهران بررسی می‌شود. نتایج حاصل از آزمون تی استیودنت برای این فرضیه در جدول ۴ نشان داده شده است.

با توجه به جدول ۳ همبستگی برای کلیه مولفه‌ها در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ معنادار است. لذا می‌توان تایید نمود که میان ارزش‌های فرهنگی (مولفه‌های محرمیت، مردم‌واری، ارتباط با محیط، حس زیبایی شناسی، درونگرایی، خودبستگی و پرهیز از بیهودگی یا سودمندی) و طرح معماری خانه‌های سنتی تهران رابطه معناداری وجود دارد.

آزمون تی استیودنت^{۲۱}

در هنگام تعیین تقریبی میانگین نمونه‌های برداشته شده

جدول ۴- نتایج آزمون تی استیودنت

متغیر	آماره t	درجه آزادی	Sig	تفاوت میانگین	۹۵٪ فاصله اطمینان	
					حد پایین	حد بالا
محرمیت	۱۲۰.۰۱۲	۴۱	۰.۰۰۰	۳.۹۷۱۴۳	۳.۹۰۴۶	۴.۰۳۸۳
مردم‌واری	۱۲۹.۱۶۶	۴۱	۰.۰۰۰	۳.۹۱۶۶۷	۳.۸۵۵۴	۳.۹۷۷۹
ارتباط با محیط	۶۹.۷۷۹	۴۱	۰.۰۰۰	۳.۶۷۸۵۷	۳.۵۷۲۱	۳.۷۸۵۰
حس زیبایی شناسی	۶۱.۵۰۸	۴۱	۰.۰۰۰	۳.۵۷۱۴۳	۳.۴۵۴۲	۳.۶۸۸۷
درونگرایی	۵۰.۵۳۵	۴۱	۰.۰۰۰	۳.۵۰۰۰۰	۳.۳۶۰۱	۳.۶۳۹۹
خودبستگی	۱۱۷.۳۷۱	۴۱	۰.۰۰۰	۴.۰۰۰۰۰	۳.۹۳۱۲	۴.۰۶۸۸
پرهیز از بیهودگی	۸۹.۳۰۲	۴۱	۰.۰۰۰	۳.۹۸۲۱۴	۳.۸۹۲۱	۴.۰۷۲۲

نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال ارائه الگوی تحلیل ارزش‌های فرهنگی در طراحی معماری مسکن در بافت قدیم کلان شهر تهران بوده که در این راستا مولفه‌های استخراجی که از روش تحلیل محتوا به بدست آمده، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و دسته‌بندی شد. سپس از این مولفه‌ها

با توجه به جدول ۴ مقدار تی برای کلیه مولفه‌ها در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ معنادار است. لذا ارزش‌های فرهنگی (مولفه‌های محرمیت، مردم‌واری، ارتباط با محیط، حس زیبایی شناسی، درونگرایی، خودبستگی و پرهیز از بیهودگی) بر شکل‌گیری طرح معماری خانه‌های محلات قدیم شهر تهران موثرند.

در تبیین گویه‌های پرسشنامه استفاده شد که در میان خبرگان رشته معماری و شهرسازی توزیع گردید. مولفه‌های اصلی شامل محرمیت، مردم‌واری، ارتباط با محیط طبیعی، حس زیبایی‌شناسی، درونگرایی، خودبستگی و پرهیز از بیهودگی بود. نتایج حاصل از پرسشنامه نشان می‌دهد که میان ارزش‌های فرهنگی و الگوی معماری خانه‌های سنتی تهران رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که ارزش‌های فرهنگی بر شکل‌گیری الگوی معماری بناهای سنتی شهر تهران تاثیرگذار است. به منظور بررسی رابطه معناداری بین متغیرها از آزمون همبستگی اسپیرمن و به منظور بررسی تاثیر متغیرها از آزمون تی استیودنت استفاده شد. در ابتدا بر مبنای داده‌های پرسشنامه نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان می‌دهد برای کلیه مولفه در سطح خطای کمتر از ۰.۰۵ معنادار است. پس میان هفت مولفه (محرمیت، مردم‌واری، ارتباط با محیط، زیبایی‌شناسی، درونگرایی، خودبستگی و پرهیز از بیهودگی) و طراحی معماری خانه‌های مسکونی محلات سنتی تهران رابطه معناداری وجود دارد. این امر نشان می‌دهد که این مولفه‌ها منبعث از ارزش‌های فرهنگی ایرانیان بوده و بر شکل‌گیری الگوی معماری خانه‌های سنتی و تاریخی تهران تاثیر گذار بوده است. در مرحله دوم آزمون تی استیودنت مورد استفاده قرار گرفت. مقدار آماره t برای داده‌های بدست آمده مورد سنجش قرار گرفت. در ارتباط با هفت مولفه مطرح شده نتایج سطح خطا کمتر از ۰.۰۵ معنادار است. این اعداد نشان می‌دهد که بکارگیری ارزش‌های فرهنگی در معماری خانه‌های سنتی تهران بیش از خانه‌های معاصر بوده است. خبرگان و اساتید تاثیر مولفه‌های مذکور را در شکل‌گیری طراحی معماری خانه‌های بافت قدیم تهران بیش از خانه‌های مسکونی معاصر تهران بیش از معماری مسکونی معاصر می‌دانند و تاثیر این مولفه‌ها را در معماری مسکونی

معاصر تهران کمتر می‌دانند. بنابراین می‌توان این‌گونه جمع‌بندی نمود که ارزش‌های فرهنگی بر معماری مسکونی سنتی تهران تاثیر قابل توجهی داشته است. اما امروزه بناهای مسکونی ساخته شده در شهر تهران جدای از بی‌هویتی، کمتر نشانی از معماری بومی و اصیل ایرانی که منبعث از مولفه‌های فرهنگی است، در آنها به چشم می‌خورد. بی‌شک فقدان هویت در عرصه معماری ایران در درازمدت، تهدیدی برای فرهنگ و هنر باشکوه ایران به شمار می‌آید. زیرا معماری امروز ایران، شکوه و عظمت گذشته را ندارد. بی‌تردید معماری نماد هویت، فرهنگ و تمدن هر کشوری است. بنابراین لازم است تحولی جدی و تجدیدنظر کلی در طراحی معماری ساختمان‌های مسکونی کشور، متناسب با معماری بومی و ویژگی‌های فرهنگی ایران و بخصوص شهر تهران صورت گیرد.

در ارتباط با الگوی مؤثر و کارا برای تجزیه و تحلیل ارزش‌های فرهنگی موجود در طراحی معماری مسکن در بافت قدیم کلان شهر تهران می‌توان اینگونه عنوان نمود که معماری مسکونی از طریق فرم، فضا و روابط، عینیت بخش فرهنگ سازندگان و ساکنین آن است. کالبد محله در شهرهای سنتی، رابطه‌ای دوسویه با ساختار شهر از نظر شکل‌گیری و فرم داشته و درعین حال از منظر اجتماعی، سبب انسجام و شکل‌گیری گونه‌ای از نظر اجتماعی می‌شده است.

با توجه به موضوع پژوهش حاضر، در راستای ارائه الگوی تحلیل ارزش‌های فرهنگی در طراحی معماری مسکن سنتی شهر تهران ارزش‌های فرهنگی که در محیط کالبدی و طرح معماری نمود پیدا کردند، مورد استفاده قرار می‌گرفت. این طرح معماری و موارد مرتبط با فرهنگ بررسی قرار گرفتند و شیوه طراحی معماری با ذهنیت‌ها، باورها و ارزش‌های فرهنگی از طریق بررسی نظریات متخصصین سنجیده شد. از آنجا که معماری نمودی از هندسه، اشکل و احجام است، در هنرهای

سنتی ایران ایده‌های ذهنی و باورها و ارزش‌های فرهنگی از طریق این اشکال و احجام نموده پیدا کرده است که وظیفه اصلی فرهنگ نیز همین نمایش باورها و ارزش‌های فرهنگی است. به این دلیل که معماری و هرمقصودی که از معماری مدنظر است نوعی «معنا بخشیدن به ماده» و یا «تجلی ساختن معنایی» از طریق شکل دادن به ماده بوده لذا این فرآیند نیز تابع سلسله مراتبی گسترده است که از اعتقادات معمار و مردم آن مرز و بوم و جهان‌بینی آنان سرچشمه می‌گیرد. لذا معماری از معمار و جامعه و باورهای انسانی مستقل نیست بلکه این ارزش‌های فرهنگی و باورها و اصول طراحیست که میزان وابستگی و نسبت کالبد حاصل را با قلمروهای معنا مشخص می‌کند. با این توصیفات الگویی برای تجزیه و تحلیل ارزش‌های فرهنگی موجود در طراحی معماری مسکن کارا و موثر خواهد بود که مولفه‌های ارزشی، اعتقادی و فرهنگی مردمان یک سرزمین یا منطقه را شناخته و چگونگی بروز این مولفه‌های ارزشی و فرهنگی را بخوبی بررسی و بازشناسی کند. برخی از این طرح‌ها و الگوها در معماری ایرانی مثل دورنگرایی و حیاط مرکزی که در معماری مسکونی سنتی تهران نیز دیده می‌شود، از عوامل و پدیده‌های اصلی فرهنگ و تمدن یک قوم یا ملت هستند. البته پایداری آنها به معنای فقدان پویایی آنها نیست. برخی از خصیصه‌های فرهنگ در صورت فضای معماری یکسان اثر نمی‌گذارند، برخی به سادگی و برخی به دشواری قابل شناسایی هستند. برخی از این خصیصه‌های فرهنگی نظیر هندسه، اعداد و اشکال بصورت نهفته در معماری دیده می‌شوند که نشات گرفته از فرهنگ و باورها هستند. اما برخی دیگر بصورت مولفه‌های کالبدی معماری قابل استخراج هستند که در این راستا در بخش معماری و طراحی که مدنظر این پژوهش است، مولفه‌های مرتبط با فرهنگ بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و اسناد موجود بررسی و تحلیل

گشت که هفت مولفه اصلی بدست آمد. نتایج نشان می‌دهد معماری به عنوان سنجش فرهنگ مردمان یک جامعه عمل می‌کند. کالبد خانه و ساختار خانواده بواسطه رویدادها و رفتارها (فرهنگ زندگی) و ارزش‌های یک جامعه در تعامل با یکدیگر هستند. به این ترتیب مولفه‌های مرتبط با فرهنگ نظیر باورها و اعتقادات مذهبی، ساختار خانواده، نظام اجتماعی، شیوه معیشت و روابط اجتماعی افراد در شکل‌گیری طرح یک مسکن موثرند. می‌توان گفت استفاده انسان از فضا به عنوان جلوه‌ای از خرده فرهنگ است که ساختمان‌ها سیمایی از الگوهای ثابت هستند که براساس طرح‌های موثر از فرهنگ معینی تقسیم‌بندی می‌شوند. فرهنگ و آداب و رسوم یک مرز و بوم بر روی معماری آن منطقه بسیار تاثیرگذار بوده و با محفوظ داشتن عوامل بنیادی، فرهنگی و هنری در بنا یک اثر ساختمانی معمولی و بی‌روح را می‌توانیم به سوی یک معماری کامل و شاخص سوق دهیم، اثری که آرمان‌ها، تاریخ و فرهنگ، ذوق و اندیشه و هنر یک جامعه در آن نهفته است به موازات این بینش توجه به واقعیت‌ها و ضرورت‌های ساختمان و عملکرد نیز موجب نوعی تعالی در بیان معمار گردیده و پیام معماری بواسطه فرهنگ در این مرحله آشکار خواهد شد. می‌توان گفت مولفه‌های مذکور تحلیلی از ارزش‌های فرهنگی موثر در طراحی معماری مسکن را فراهم می‌آورد. این مولفه‌ها مرتبط با ارزش‌های فرهنگی موثر در طراحی معماری مسکن بوده که از این طریق می‌توان تحلیلی بر ارتباط فرهنگ و طراحی معماری مسکن در محلات قدیم تهران ارائه نمود. همچنین از آنجا که شکل‌گیری بافت محلات و معابر با فرمی ارگانیک و غالبا با تاثیرپذیری مستقیم از فرم ابنیه مسکونی شکل گرفته است می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری نمود که مولفه‌هایی چون درونگرایی، مردم‌واری، حریمیت، خودبسندگی و ارتباط با محیط طبیعی که در معماری مسکونی تهران قابل برداشت

است، تاثیر مستقیمی بر شکل‌گیری معابر و کالبد و بافت محلات داشته‌اند چرا که درونگرایی در شکل‌گیری معابر و بافت محلات و رعایت محرمیت در دسترسی به خانه‌ها و رعایت سلسله مراتب دسترسی، توجه به مقیاس انسانی در بافت محلات و معابر بخوبی قابل برداشت است. می‌توان اینگونه برداشت نمود که مولفه‌های مستخرج در این پژوهش بر شکل‌گیری بافت محلات و معابر تهران در دوران گذشته تاثیرگذار بوده است که با اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی ساکنین و سازندگان آن ارتباط مستقیم داشته است. در ارتباط با عناصر و مولفه‌های معماری متأثر از فرهنگ و سنن بومی که از آنها بتوان در معماری معاصر مسکونی شهر تهران استفاده نمود می‌توان اینگونه عنوان نمود که معماری به علت تاثیرپذیری از فرهنگ در هر دوره نمودی از باورهای و اعتقادات مردم بوده است. در معماری سنتی و دوران گذشته با ورود دین مبین اسلام به سرزمین ایران و همسویی تفکرات و اندیشه‌های برگرفته از قرآن و مفاهیم دینی اعتقادی، با تکنیک‌های ساخت در معماری ایران، معماری این سرزمین، با محتوایی مقدس، همراه شد. با گذشت زمان، در دوران معاصر گسست فرهنگی و بحران هویت، در کالبد خانه‌ها و سیمای شهرهای ایرانی پدیدار گشت که بافت قدیم شهر تهران در دوران معاصر نیز قابل مشاهده است؛ به طوریکه دیگر نمی‌توان رابطه‌ای منطقی بین معماری معاصر و معماری غنی و پرمحتوای گذشته این سرزمین یافت. خانه‌های سنتی تهران که غالباً در دوره قاجار و اوائل پهلوی بنا گردیده‌اند از جمله نمونه‌های معماری می‌باشند که نمایانگر اصول و شرایط فرهنگی و مذهبی حاکم بر این خانه‌ها در دوره مذکور می‌باشند اما در خانه‌هایی که در دوران معاصر در بافت قدیم تهران ساخته شده‌اند بسیاری از مولفه‌ها را که در گذشته از فرهنگ و سنت ایرانی نشأت گرفته بودند، در برنداشته و تا حدی با ورود مدرنیته معماری بناهای مسکونی نیز

تحت تاثیر قرار گرفته است. در سبک معماری مدرن بدون درنظر گرفتن زمینه‌های طبیعی و اقلیمی، میراث فرهنگی کشور، بدون تنوع طلبی که در سبک معماری سنتی به وفور دیده می‌شود و پرداختن به یکسان‌سازی ساختمان‌ها و الگوگیری از معماری غرب و در نظر نگرفتن بستر تاریخی و اصول معماری ایرانی-اسلامی وارد عصر تجدیدگرایی شده است. مولفه‌های مستخرج در سبک معماری سنتی مانند درونگرایی، محرمیت، خودبسندگی، حس زیبایی‌شناسی، پرهیز از بیهودگی، ارتباط با محیط طبیعی و مردم‌واری، اصولی انسان‌گرایانه است. این مولفه‌ها علاوه بر اینکه امکان استفاده در زمان حال و آینده را دارند، می‌توانند بیانگر هویت، فرهنگ و سنت‌هایی است که گذشتگان منتقل کرده‌اند، چنانچه زمان را به مکان متصل کرده و باعث زنده شده هویت ملی، بومی، اجتماعی و سنت‌های آباء و اجدادی می‌شود. در پایان راهکارهایی برای طراحی بنای مسکونی بر مبنای الگوی معماری ایرانی-اسلامی به صورت زیر پیشنهاد می‌گردد:

- تصویب قانون رعایت الزامات ارزش‌های فرهنگی ایرانی و اسلامی دخیل در معماری و تاکید بر اجرای آن.
- توجه بیشتر به رشته تحصیلی معماری ایرانی-اسلامی.
- تدوین قانون الزامات معماری اسلامی در فرآیند طراحی تا اجرای ساختمان‌های مسکونی.
- ارزیابی برنامه دستگاه‌ها بر مبنای اجرای سیاست‌های کاربردی ارزش‌های فرهنگ ایرانی در حوزه ساختمان.
- تدوین برنامه‌های آموزشی ارزش‌های فرهنگی در معماری برای مدیران در سطح عالی تا میانی برای بسط تفکر اعتقاد به چشم‌انداز در اجرا.
- آموزش ارزش‌های فرهنگی و مبانی اسلامی و اعتقادی مرتبط با معماری به مهندسين حوزه ساختمان.
- استفاده از ارزش‌های فرهنگی ایرانی -اسلامی در طراحی معماری.

- استفاده از المان‌ها و تزئینات معمول در معماری اصیل ایرانی.

منابع

آصفی، م، و ایمانی ا (۱۳۹۵). بازتعریف الگوهای طراحی مسکن ایرانی - اسلامی معاصر با ارزیابی کیفی خانه‌های سنتی، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، (۱۱)، ۴، ۵۳-۷۷.

احمدی، قادر و شیخی، سمکو (۱۳۹۷). مطالعه مردم شناختی نقش فرهنگ و محیط بر معماری فضای خانگی مطالعه موردی خیابان امام در پیرانشهر، کنفرانس عمران، معماری و شهرسازی کشورهای جهان اسلام، تبریز.

حیدری، ع، پیوسته‌گر، ی، محبی‌نژاد، س، و کیایی، مریم (۱۳۹۷). ارزیابی شیوه‌های ایجاد حریمیت در سه نظام پیمون بزرگ، کوچک و خرده پیمون در پیکره‌بندی مسکن ایرانی - اسلامی با استفاده از تکنیک نحو فضا. مرمت و معماری ایران (مرمت آثار و بافت‌های تاریخی فرهنگی).

حیدری، ع، ا و کیایی، م (۱۳۹۹). بررسی تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر ارتقاء راندمان عملکردی فضا در خانه‌های روستایی با تکیه بر نقش الگوهای رفتاری. هویت شهر.

خوش‌اندام، ز، وزیری، و، حاتمی خانقاهی، ت (۱۳۹۷). راهکارهای حفظ ارزش‌های معماری بومی در طراحی بناها و محلات معاصر شهر اردبیل. نشریه علمی‌اندیشه معماری.

راپاپورت، آ (۱۳۹۹). انسان‌شناسی مسکن (ترجمه خسرو افضلیان)، مشهد: انتشارات کسری.

راست‌جو، س. س، و بمانیان، م (۱۳۹۸). گونه شناسی ساختار فضایی خانه معاصر ایرانی با تکیه بر حریمیت و سلسله مراتب (نمونه موردی: خانه‌های تهران در دهه‌های ۵۰، ۶۰، ۷۰ و ۸۰)، هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی..

سلمانی مروست، حسین، و دهقانی تفتی، محسن (۱۳۹۸). تبیین اصول و معیارهای طراحی مجموعه‌های مسکونی در شهر یزد با رویکرد جمع محوری، سومین کنفرانس بین‌المللی هنر، معماری و کاربردها.

صوفی، مریم (۱۳۹۹). شناسایی الگوی هویت‌یابی مکانی در شهرهای جدید (شهر جدید پرد). دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات، تهران.

صوفی، مریم (۱۴۰۰). تدوین چارچوبی برای هویت شهری مطلوب: مورد مطالعه شهر جدید پرد. نشریه: فرایند مدیریت و توسعه.

ضرغامی، ا، و سادات، ا (۱۳۹۵). شاخصه‌های معماری ایرانی - اسلامی در مجموعه‌های مسکونی. تهران: نشر دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.

طلوع دل، م، مهدی‌نژاد، ج، و سادات، س، ا (۱۳۹۹). تأثیر مؤلفه‌های معنایی، رفتاری و کالبدی حس مکان در رضایتمندی سکونتی. معماری و شهرسازی پایدار.

عابدینی، ف و عاقل پسند، ا (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل ضرورت حفظ ارزش‌های فرهنگی در معماری و شهرسازی معاصر ایران، اولین همایش ملی اندیشه‌ها و فناوری‌های نو در معماری، تبریز.

عزیزآبادی فراهانی، فاطمه (۱۳۹۸). توسعه فرهنگی و رسانه ملی، طراحی مدل اندازه‌گیری تأثیر رسانه ملی در توسعه فرهنگی. ویراست دوم. نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات. تهران.

قاسمی‌ده بکری، اسما و نیک‌پور، منصور (۱۳۹۸). بررسی عوامل تأثیرگذار بر ایجاد هویت در فضاهای مسکونی، اولین کنفرانس بین‌المللی مهندسی عمران، معماری و بازآفرینی شهری، تهران.

قنادان، م (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی (مفاهیم کلیدی) چاپ اول، تهران: آوای نور.

کوش، د (۱۳۹۸). مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی (مترجم فریدون وحیدا). تهران: نشر سروش.

مشکینی، ابوالفضل و پهلوان درینی، موسی (۱۴۰۱).

expectations:(Re) mapping the arts housing policy as urban cultural policy in Singapore. City, Culture and Society.

Kitchin, R & Thrift, N (2020). International encyclopedia of human geography. Elsevier.

Lu, D. (2012). Cultural analysis of housing and space.

Mihaila, M (2014). City architecture as cultural ingredient. Procedia-Social and Behavioral Sciences.

Molaei, P & Hashempour, P (2020). Evaluation of CPTED principles in the housing architecture of rural areas in the North of Iran (Case studies: Sedaposhte and Ormamalal). International Journal of Law, Crime and Justice, 100405.

Oliver, P (2017). Built to meet needs: Cultural issues in vernacular architecture. Routledge.

Tylor, E (1871). Primitive Culture: Researches into the Development of Mythology, Philosophy, Religion, Art, and Custom. New York: Gordon Press.

Sukhwani, V, Napitupulu, H, Jingnan, D, Yamaji, M & Shaw, R. (2021). Enhancing cultural adequacy in post-disaster temporary housing. Progress in Disaster Science.

ارزیابی تحقق سیاست کلی نظام (چشم انداز) در بخش مسکن نمونه: حفظ حرمت و ارزش های فرهنگی مسکن شهری. پژوهش های جغرافیای انسانی.

Alexander, L. T (2011). Hip-hop and housing: revisiting culture, urban space, power, and law. Hastings LJ.

Aljurida, A. M, Asang, S & Rusdi, M. (2018). Housing and Urban Development in Makassar: A Policy Benefit Approach. Turkish Online Journal of Qualitative Inquiry).

Cheng, S. T & Chan, A. C (2005). Measuring psychological well-being in the Chinese. Personality and Individual Differences.

Ebrahimi, S & Eslami, G (2010). Architecture of Iran in the Transition Period. Journal of Hoviyatshahr.

Fallah, S. N, Khalili, A & Rasdi, M. T. B. M (2015). Cultural Dimensions of Housing Entrance Spaces: Lessons for Modern HDVD Housing. Journal of Applied Sciences.

Han, H, Shu, X & Ye, X (2018). Conflicts and regional culture: The general features and cultural background of illegitimate housing demolition in China. Habitat International.

Hoe, S. F (2020). Laden with great

یادداشت

Kitchin & Nirift^۱

Ebrahimi & Eslami^۲

Alexander^۳

Rapopot^۴

Healer^۵

Henson^۶

Oliver^۷

Lu^۸

Edward Taylor^۹

Tylor^{۱۰}

WISLER^{۱۱}

MALINOWSKI^{۱۲}

Yoon^{۱۳}

Sukhwani^{۱۴}

Molaei & Hashempour^{۱۵}

Hoe^{۱۶}

Ghathishat^{۱۷}

Han^{۱۸}

Aljurida^{۱۹}

Mihaila^{۲۰}

T student^{۲۱}

Student's t-distribution^{۲۲}